

ایران‌شناسی در گرجستان: حوزه زبان‌ها، سنگ‌نبشته‌ها و آثار مکتوب پیش از اسلام^۱

هلن گیوناشویلی

انستیتوی خاورشناسی تسرتلی، دانشگاه ایلیا، تفلیس، گرجستان

گرجستان به علت موقع خاص جغرافیایی خود طی اعصار متمادی عرصه کشمکش‌ها و رقابت قدرت‌های عصر بوده و در دل یکی از حساس‌ترین مناطقی جای داشته است که دستخوش تلاطم‌های گوناگون سیاسی، مذهبی و اقتصادی بوده‌اند. گرجستان یکی از چند کشوری است که پیوسته در معرض دادوستد فکری و فرهنگی شرق و غرب بوده و از هر دوی این منابع سرشار علم و فرهنگ الهام گرفته است. بنیادگذاران دانشگاه تفلیس (۱۹۱۸)، با در نظر گرفتن روابط دیرینه و گسترده گرجیان با اقوام ایرانی‌نژاد، سامی‌نژاد و ترک‌نژاد، بر این باور بودند که یکی از ویژگی‌های دانشگاه می‌بایست وجود رشته‌ای توانمند از حیث علمی و تدریسی در زمینه خاورشناسی و

^۱ متن سخنرانی ارائه شده در اجلاس گفت‌وگوهای فرهنگی آسیایی در دانشگاه مازندران، بابلسر، ۲۴ و ۲۵ دی‌ماه ۱۳۹۶.

Helen Giunashvili, "Iranian Studies in Georgia: The Pre-Islamic Queries," *Iran Namag*, Volume 4, Number 1 (Spring 2019), 137-144.

هلن گیوناشویلی <elene.giunashvili@iliauni.edu.ge> دانش‌آموخته دکتری فقه‌اللغه گرجی و فارسی دانشگاه تفلیس، دکتری زبان‌های ایرانی قبل از اسلام دانشگاه سن‌پترزبورگ، و دکتری فیلولوژی است و دوره اختصاصی زبان آرامی را نیز در دانشگاه اورشلیم و دوره کارآموزی را در دانشگاه تهران و انجمن ایران‌شناسی فرانسه گذرانده است. او مؤلف پنج کتاب و بیش از ۳۰ مقاله و هم‌اکنون استاد دانشگاه ایلیا در تفلیس و پژوهشگر انستیتوی خاورشناسی این دانشگاه است.

به‌ویژه ایران‌شناسی باشد. سه تن پایه‌گذار و پیشاهنگ نامور و برگزیده ایران‌شناسی یعنی ای. جاواخی‌شویلی (Ivane Javakhishvili, 1876-1940) در زمینه تاریخ خاور نزدیک و گرجستان، گ. آخولدیان (Giorgi Akhvlediani, 1883-1973) در زبان‌شناسی همگانی، سانسکریت و زبان‌های ایرانی پیش از اسلام، و یو. آبولادزه (Yustine Abuladze, 1874-1962) در زبان و ادبیات فارسی کلاسیک، رفتگانی‌اند که گام‌های مؤثری در ترویج علم و فرهنگ گرجی و استقرار ایران‌شناسی در گرجستان برداشته‌اند.

پس از تأسیس کرسی فیلولوژی ایرانی در سال ۱۹۳۹ و دانشکده خاورشناسی دانشگاه در سال ۱۹۴۵ و انستیتوی تحقیقاتی خاورشناسی آکادمی علوم گرجستان در سال ۱۹۶۰، مطالعات در زمینه ایران‌شناسی رونق روزافزون یافت.

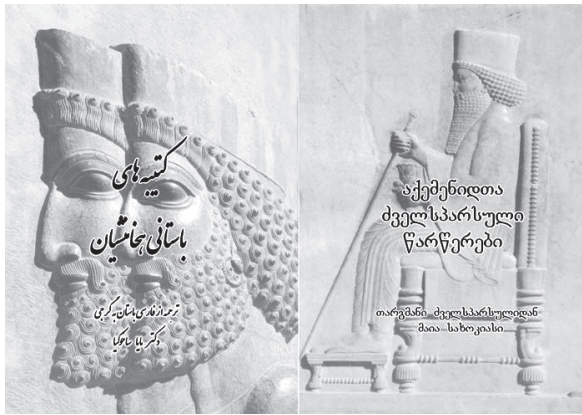
گرجستان طی قرون متمادی با اقوام ایرانی‌زبان روابط تنگاتنگی داشته است: در شمال با آلانی‌ها و در جنوب با مادها و پارسی‌ها. از قرون هشتم و هفتم پیش از میلاد تا قرون چهارم و پنج میلادی، طوایف ایرانی‌زبان سکائی-آلانی در جلگه‌های قفقاز شمالی و دشت‌های شمال دریای سیاه کوچ‌نشین بودند. نام رودخانه‌های (Danub (Dneŭr, Dnepr, Dunay که از ریشه dn/don مشتق شده است (don به زبان آلانی/آسی یعنی آب) سند موثقی از حضور آلانی‌ها (پیشینیان آسی‌ها) در آن نواحی است. گرجی‌ها نه فقط در مسائل دفاعی و نظامی، بلکه در همه شئون حیات اجتماعی و اقتصادی روابط تنگاتنگی با آلانی‌ها برقرار کرده بودند و این نزدیکی از قرن یازدهم میلادی در سلسله‌ای از ازدواج‌ها و برقراری قرابت به خوبی منعکس شده بود.

اینک چند مثال از واژه‌های گرجی مأخوذ از سکائی-آلانی: ۱. اسم خاص گرجی *Varkatanu>Wazxtang>Vaxtang* به معنی گرگ‌تن؛ *vrk/vark* در فرس باستانی: گرگ. ۲. اسم عام گرجی *arn-i* (پسوند حالت فاعلی) به معنی گوسفند کوهی *arnax>*؛ فرس باستانی: *arana*. ۳. اسم خاص گرجی *Arsuk>Arša*؛ در فرس باستانی، *arsa*، در آسی به معنی خرس.

دولت متمرکز و مقتدر هخامنشی که بنیادها و نهادهای منسجم و استوار کشورداری و فرهنگی داشت، نقش مهمی در تکامل تاریخی و فرهنگی بسیاری از کشورهای همجوار و کشورهای واقع در قلمرو خود ایفا کرد و از جمله برای استقرار نهادهای

دولتی ایبریا (Iberia)، گرجستان شرقی، "حائز کمال اهمیت بود."^۲ در منابع باستانی گرجی آمده است: شاه پرنواز، حکمران گرجستان شرقی در قرن سوم پیش از میلاد، برای بنیادگذاری نهادهای دولتی خود نظام امپراتوری "پارسیان" را ملاک و الگو قرار داد.

بسیاری از سنگ‌نبشته‌های دوره هخامنشی بررسی و تحلیل شده و به زبان گرجی هم ترجمه شده است. زحمت و تلاش چندین ساله مایا ساخوکیا (Maya Sakhokia) در کتاب *کتیبه‌های باستانی هخامنشیان*، ترجمه از فارسی باستان به زبان گرجی، منعکس شده است (تصویر ۱).^۳



تصویر ۱.

ترجمه گات‌های اوستا را آخولدیان، عضو آکادمی علوم گرجستان، از آغاز دهه دوم قرن بیستم شروع کرد و آرام‌آرام در مجلات علمی و ادبی گرجستان به چاپ رساند. بنا به ارزیابی ناقدین اهل فن، مترجم نه فقط توانسته است ماهیت و اصل مطلب متن را به وجه اعلا منتقل کند، بلکه همچنین توانسته است شیوه هنری و فنون ادبی اثر را نیز رعایت کند. نتیجه مطالعات پژوهشگر در مبحث واژگان‌شناسی و ریشه‌شناسی بسیار جالب است. مثلاً در متون باستانی گرجی به اسم خاص Tri-tino برمی‌خوریم. بنا به ارزیابی گیورگی آخولدیان، این اسم خاص در متن گرجی از Fretan) Oraētaona، آفریدن/فریدن در شاهنامه) مشتق شده است. Tritino و

^۲ گیورگی تسرتلی، "دولت هخامنشی و تمدن جهانی"، آئینده، سال ۱۲، شماره ۷-۸ (۱۳۶۵)، ۳۷۰؛ جمشید گیوناشوبلی، آکادمیسین گیورگی تسرتلی (تفلیس، ۲۰۱۴)، ۵۸.
^۳ کتیبه‌های باستانی هخامنشیان، ترجمه مایا ساخوکیا از فارسی باستان به گرجی (تفلیس، ۲۰۱۲).

چند اسم خاص دیگر—مثلاً *Vištāspa > Vaštašab* (در *شاهنامه*: گشتاسب)—نظریهٔ بعضی محققان را دربارهٔ آشنا بودن گرجیان با داستان‌های حماسی باستانی ایرانیان قبل از تدوین *شاهنامه* فردوسی تقویت می‌کند. همچنین، ستاک اسم عام گرجی مأخوذ از فرس باستانی *m-art-al-i* به معنی “حقیقت، حق‌دار” اوستایی *āša* را با اسم خاص *Artaxšaθra* مقایسه کنید.

گرجیان خودشان را “کارتول” (*Kartvel*) می‌نامند که برگرفته از “کارت” (نام یکی از اقوام گرجی) است. به همین ترتیب، گرجستان را “سا کارتولو” (*Sa-kartvel-o*، *-sa*، پیشوند، *-o* پسوند) می‌نامند. چون گرجیان کشاورزانی سخت‌کوش بودند، بعضی‌ها بر این باور بودند که در اساس تسمیهٔ گرجیان واژهٔ *geo*—یونانی (زمین) بوده است. در کتیبهٔ سه‌زبانهٔ شاپور اول، متعلق به قرن سوم میلادی، در تخت جمشید آمده است:

فارسی میانه: ... *mčspy wlwč'n MLK' (Amāzāsp Waručān šāh)*.

پارتی: ... *Hmz'sp wyršn MLK' (Hamāzāsp Wiržān šāh)*.

در متن یونانی *Iberia* معادل *waručān/wiržān* است.

اسم خاص “گرج/گرجیان” از واژهٔ “*vrka*” در فارسی باستان و “*vrka*” در اوستا به معنی “گرج” مشتق شده است. این واژه در فارسی میانه تبدیل به “*varč*” “*varčān*” شد و بنا به قانون تحولات آوایی که “*v*” سر هجایی در شرایط معینی تبدیل به “*g*” می‌شود (مثلاً *vard* ← *gol*) “*varčān*” / “*varč*” تبدیل شد به گرج/گرجیان در فارسی، جرجان/جرزان در عربی، *Géorgie* در فرانسوی، *Georgien* در آلمانی، *Georgia* در انگلیسی، و *gurz > gruz (Gruzia)* در روسی و غیره.^۴

در قرون اول تا سوم میلادی، اعتقادات و ادیان متعددی (بت‌پرستی و ادیان یهودی، زرتشتی، مسیحی و آئین مانوی) در گرجستان رواج داشت. بنا به اطلاعاتی که از کتیبه‌های شاپور اول و دیگر منابع به دست می‌آید، آماز اسب فوق‌الذکر (*+asp*—*hamāza > Amāzasp* در فرس باستانی: صاحب گلهٔ اسب)، شاه گرجستان که با خاندان سلطنتی ساسانیان قرابت داشت، آئین مانی را در نتیجهٔ تبلیغ “پیامبر

^۴*Sakartvelosa da Kartvelebis aghmishvneli ucxouri da kartuli terminologia* (Tbilisi: Mec'niereba, 1993); Giorgi Tsereteli, *Sakartvelos iranul saxeltsodebata ištoriaisatvis*, 92-106 (به زبان گرجی); Theo Chkheidze, *Sakartvelosa da kartvelebis aghmishvneli terminebi sashualo sparsulsa da partul enebshi*, 107-120 (به زبان گرجی).

نور، یعنی خود مانی، پذیرفته بود. بعداً تلاش‌های جدی شاپور اول و موبد موبدان کرتیر موجب شد آئین مانی در گرجستان ریشه‌کن شود. طبق اطلاع همین منابع، دربار و روحانیان ایران به منظور ترویج و تعمیق دین زرتشت و احداث آتشکده‌های جدید در گرجستان دست به فعالیت پیگیرانه‌ای زدند. با وجود موضع‌گیری ایران در مسائل دینی گرجستان، جناح "غرب‌گرایان" گرجستان موفق شدند در حوالی دهه‌های سوم و چهارم قرن چهارم میلادی مسیحیت را دین رسمی گرجستان اعلام کنند. طی مدت کوتاهی، کلیسای گرجستان و فرهنگ مذهبی گرجیان در سطح جهان مسیحیت احترام و اعتبار فراوان کسب کرد. مسیحیت در قرون وسطا سازنده جهان‌بینی گرجیان بود.

گرجیان در نیمه اول قرن پنجم میلادی به احداث دیرهایی در فلسطین مبادرت کردند. سطح فرهنگ مذهبی راهبان گرجی به اندازه‌ای بلند بود که از اواخر قرن پنجم میلادی به آنها اجازه داده شد نماز و مراسم دینی خود را به زبان گرجی ادا کنند.^۵

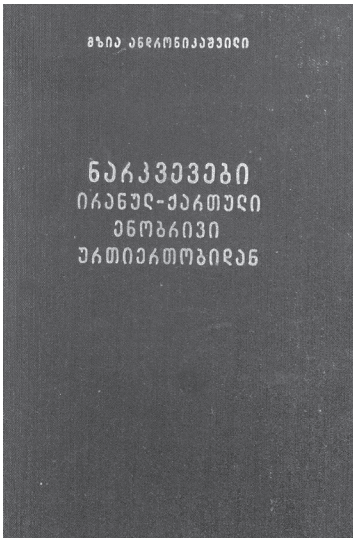
در اثر ادبی گرجی قرن هفتم میلادی، نام مکان Darialan-i (i-پسوند حالت فاعلی) آمده است. در منابع دیگر، Darieli/Dariala/Daralani است. در اثر قرن هفتم، ترجمه گرجی نام مکان نیز عرضه می‌شود: K'ari. Ovsta k'ari. به معنی در، دروازه، و Ovsta به معنی آسی‌ها. به این ترتیب، "در آسی‌ها" (آلانی‌ها). در واقع، این ترجمه گرجی "l'nn TR" پهلوی اشکانی - (Ālānan dar) در آلان‌ها - کتیبه شاپور اول است. به نظر ماریک (A. Maricq)، چون دره تنگ و عمیق "در آلان‌ها" (دریال) صعب‌العبور است و اهمیت سوق‌الجیشی ندارد، لذا در این مورد منظور "در آلان‌ها" نبوده، بلکه "در آلان‌ها" است که مطابق با "دریند" (باب‌الابواب) است. گیورگی تسرتلی (Giorgi Tsereteli)، با در نظر گرفتن نظام خط آرامی و یونانی، تحلیل دقیق تحولات آوایی و استفاده از منابع گوناگونی مثل کتیبه کرتیر در تخت جمشید، آثار وقایع‌نگاران گرجی، مروج‌الذهب مسعودی و غیره ثابت کرد که منظور همان "در آلان‌ها" است.^۶

بک (M. Back) نظریه گیورگی تسرتلی را تأیید کرد. در مقاله‌ای که آندرونیکاشویلی

^۵G. Tsereteli, *The Most Ancient Georgian Inscriptions from Palestine* (Tbilisi, 1960), 87 and 92.
گیورگی تسرتلی، "l'nn TR" در کتیبه شاپور، "نامه مؤسسه آسیایی، دوره تازه، شماره ۱ (۱۳۵۳)، ۱-۱۵؛ گیوناشویلی، آکادمیسین گیورگی تسرتلی، ۶۳-۸۲.

در سال ۱۹۵۴ به چاپ رساند، نام دریایی از اثر گرجی ارائه شده است: Zghua Gurgen-is-i (zghua به معنی دریا، - Gurgen اسم خاص، -is پسوند مالکیت، -i پسوند حالت فاعلی) به معنی دریای گورگن، “دریای گرگان،” بحر خزر.

در بررسی تاریخچه تحقیقات گرجیان در حوزه زبان های ایرانی باید توجه داشت که یکی از موضوعات مهم تحقیق ایران شناسان گرجی بررسی واژه های مأخوذ از فارسی باستان، فارسی میانه و آلانی در زبان گرجی است. زبان گرجی، در عین حفظ بنیۀ دستوری و بیانی خاص خود، برای افزایش ذخیره واژه ها و اصطلاحات از اقتباس و استعمال الفاظ عاریتی مأخوذ از زبان های همسایگان نزدیک و دور خود خودداری نکرده است. گرجیان طی قرون متمادی روابط بسیار نزدیک سیاسی، اقتصادی و فرهنگی با اقوام ایرانی نژاد داشته اند و در نتیجۀ این تماس ها، طی ادوار طولانی، بسیاری از واژه ها از راه منابع کتبی و محاوره های به زبان گرجی راه یافته و متداول گشته است. در بعضی موارد، لغات مأخوذ چنان داخل بافت زبان وام گیرنده شده و جزء لاینفک واژگان گرجی گردیده که فقط با موشکافی های ظریف زبان شناسی دقیق می توان به ایرانی بودن آنها پی برد. تحقیق در این مباحث، به حس کنجکاو



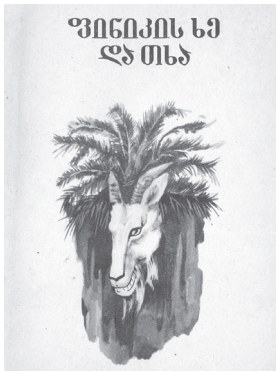
تصویر ۲.

ذاتی، آشنایی کافی با منابع و متون تاریخی و ادبی، تبحر در زبان ها و لهجه های متعدد ایرانی، و اطلاع عمیق از سازمان اجتماعی، مذهبی و فرهنگی ایرانیان و گرجیان در ادوار گوناگون نیاز دارد. از جمله پژوهشگران پُرکاری که در این وادی تحقیقات شایسته ای تدوین کردند، عضو وابستۀ آکادمی علوم گرجستان، مزیا آندرونیکاشویلی (Mzia Andronikashvili) است که اثر اساسی ایشان شهرت فوق العاده یافته است.^۷ در این کار علمی پراج، کلمات مأخوذ فارسی باستان و زبان ها و لهجه های فارسی میانه و آلانی بررسی شده است (تصویر ۲).

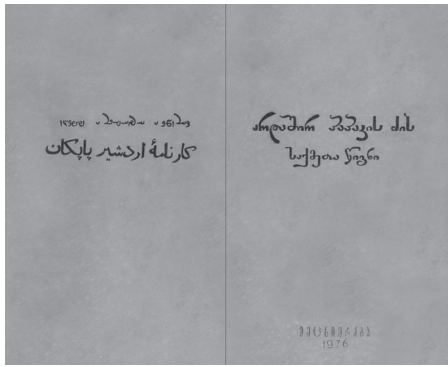
⁷Mzia Andronikashvili, *Narkvevi iranul-kartuli enobrivi urtiertobidan* (Tbilisi, 1966)

(به زبان گرجی).

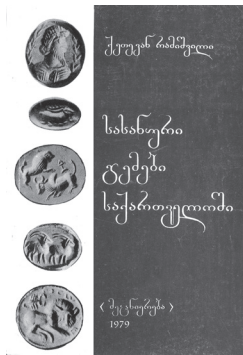
در اثر تهئو چخهئیدزه (Theo Chkheidze) درباره اسامی خاص ایرانی پیش از اسلام، مطالعه دقیقی شده است.^۸ همچنین، تهئو چخهئیدزه رساله‌ای درباره نظام تعلیم و تربیب در ایران ساسانی به چاپ رسانده است.^۹ ضمناً، متن *ارداویراف‌نامه* و *کارنامه اردشیر پاپکان* را با ترجمه گرجی و تعلیقات و فرهنگ و نیز متن و آوانگاری درخت آسوریک و بز، *یادگار زریران*، و خسرو و ریدک را با ترجمه گرجی، تعلیقات و فرهنگ به چاپ رسانده است (تصاویر ۳ و ۴).^{۱۰}



تصویر ۴.



تصویر ۳.



تصویر ۵.

از جمله تحقیقاتی که در زمینه تاریخ و فرهنگ ایران پیش از اسلام صورت گرفته می‌توان به این کتاب‌ها اشاره کرد: گولباد امیراناشویلی، *کتیبه‌های ساسانی و نامه تنسر به مثابه مأخذ تاریخ اجتماعی و اقتصادی ایران*؛^{۱۱} آبرامیشویلی، *فهرست مسکوکات اشکانی موزه دولتی گرجستان*؛^{۱۲} رامیشویلی، *نگین‌های ساسانی در گرجستان* (تصویر ۵)؛^{۱۳} جالاگانیا، *گنج‌های*

^۸Theo Chkheidze, *Narkvevebi iranuli onomašikidan* (Tbilisi, 1984) (به زبان گرجی).

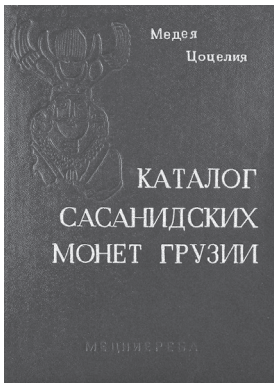
^۹Theo Chkheidze, *Aghzrdis insitute sasanur iranshi* (Tbilisi, 1979) (به زبان گرجی).

^{۱۰}گیورگی سانیکیدزه و نیکولوز ناخوتسریشویلی، "یادبود پروفیسور تهئو چخهئیدزه،" با پیشگفتار جمشید گیوناشویلی، *بخارا*، سال ۱۵، شماره ۸۹-۹۰، (۱۳۹۱)، ۶۴۷-۶۵۴.

^{۱۱}G. Sh. Amiranashvili, *Srednepersidskie epigraficheskie pamyatniki i "Pis'mo Tansara" kak istochnik po social'no-ekonomicheskoi istorii sasanidskogo Irana* (Tbilisi, 1975) (به زبان روسی).

^{۱۲}Tamar Abramishvili, *Sakartvelos sakhelmtsipo muzeumis partuli monetebis katalogi* (Tbilisi, 1974) (به زبان گرجی); Medea Sherozia et Jean-Marc Doyen, *Les monnaies parthes du musée de Tbilisi* (Géorgie), *Moneta* 62 (Wetteren, 2007).

^{۱۳}Ketevan Ramishvili, *Sasanuri gemebi Sakartveloshi* (Tbilisi, 1979) (به زبان گرجی).



تصویر ۶.

مسکوکات بیزانسی و ساسانی در گرجستان؛^{۱۴} تسوتسه‌لیا، گرجستان شرقی (کارتیل) در قرون ۳ تا ۷ میلادی و روابط آن با دولت ساسانی؛^{۱۵} تسوتسه‌لیا، فهرست مسکوکات ساسانی گرجستان (تصویر ۶)؛^{۱۶} تسوتسه‌لیا، تنو چخه‌ئیدزه و هلن گیوناشویلی، کردیرو ایریا (گرجستان شرقی).^{۱۷}

پیشکسوتان علم و فرهنگ گرجی که در امر پایه‌گذاری و ترویج رشته تحقیقاتی تاریخ و فرهنگ ایران قبل از اسلام پیشاهنگ بوده

و برای تربیت نسل جوان پژوهشگران این رشته خدمات کلانی کرده‌اند عبارت‌اند از ایوانه جاواخیشویلی (۱۹۴۰-۱۸۷۴)، عضو آکادمی علوم گرجستان و بنیادگذار دانشگاه تفلیس (۱۹۱۸) و پایه‌گذار مکتب علمی جدید تاریخ در بخش علوم انسانی گرجستان؛ آکادمیسین گیورگی آخولدیان (۱۹۷۲-۱۸۷۴)، زبان‌شناس مشهور، متخصص زبان آسی و زبان‌های هندوایرانی باستان، مترجم گات‌های اوستا؛ و گیورگی تسرتلی (۱۹۷۳-۱۹۰۴)، عضو فرهنگستان علوم گرجستان و بنیادگذار دانشکده خاورشناسی دانشگاه تفلیس (۱۹۴۵) و انستیتوی خاورشناسی آکادمی علوم گرجستان (۱۹۶۰).

اکنون نهادهای فعال در رشته تاریخ و فرهنگ ایران قبل از اسلام عبارت‌اند از دانشکده خاورشناسی دانشگاه دولتی تفلیس؛ انستیتوی خاورشناسی تسرتلی، دانشگاه ایلیا، تفلیس؛ انستیتوی تاریخ و مردم‌شناسی، دانشگاه دولتی تفلیس؛ موزه ملی گرجستان.

¹⁴I.L.Dzhalaganian, *Monetnye klady Gruzii: Klad sasanidskix i vizantijskix monet iz Tsiteli Tsikaro* (Tbilisi, 1980) (به زبان روسی).

¹⁵Medea Tsotselia, *Kartli v 3-7 vekakh i ego vzaimootnosheniya s sasanidskim Iranom* (Tbilisi, 1975) (به زبان روسی).

¹⁶M.V. Tsotselia *Katalog sasanidskix monet Gruzii* (Tbilisi, 1981) (به زبان روسی); Medea Tsotselia, *History and Coin Finds in Georgia, Sasanian and Byzantine Coins from Tsitelitskaro (AD 641)*, *Moneta*, vol. 26 (Wetteren, 2002); *History and Coin Finds in Georgia: Sasanian Coin Finds and Hoards*, *Moneta*, vol. 30 (Wetteren, 2003).

¹⁷Medea Tsotselia, Theo Chkheidze and Helen Giunashvili, *Kardiri da Iberia* (Tbilisi, 2017) (به زبان گرجی) (2018).